تا می توانیم بیاموزیم. این همه کتاب خوب و مطالب آموختنی ما را به سوی خود فرا می خوانند. کتاب پر راز و رمز آفرینش و شگفتی های طبیعت سر شار از درس ها و اندرز هاست.

در میان جمع گشاده رو بود و در تنهایی سیمایی محزون و متفکر داشت. هرگز به روی کسی خیره نگاه نمی کرد و بیشتر اوقات چشم هایش را به زمین می دوخت.بیش از حد لزوم سخن نمی گفت و اجازه نمی داد کسی جز در مقام دادخواهی در حضور او از دیگری بد بگوید.

امام خمینی، در این دوران در خانه ای ساده زندگی می کرد سرانجام شب چهاردهم خرداد فرا رسید. شبی غم بار و تلخ که محبوب ترین شخصیت جهان اسلام به خدا پیوست.

زیر آن ملافهٔ سفید، آدم آهنی ساکت بود ولی شب، وقتی باد از بیرون به داخل سالن نمایشگاه می وزید و با خود رایحهٔ درخت بلوط را می آورد، صدای آهسته ای از زیر ملافهٔ سفید می آمد و به نظر می رسید که کسی چیزی یاد می گیرد.

آن ها مجلس ترحیم نمی توانم را برگزار کردند و اعلامیهٔ ترحیم را بالای تخته سیاه آویزان کردند. از خداوند خواستند تا نمی توانم را قرین رحمت خود کند و به همه قدرت عنایت فرماید بی حضور او به سوی آیندهٔ بهتر حرکت کنند.